قلم تراز ۴

یادداشت های پژوهشگران
معارف انقلاب اسلامی



خلیج فارس خانه ماست

سید علی خامنه‌ای
رهبر انقلاب
۹۵/۲/۱۳

ویژه نامه خلیج فارس
سال دوم / شماره ۴ / بهار ۱۴۰۵
نشریه قلم تراز
پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

تا ابد خلیج فارس


خلیج فارس
PERSIAN GULF

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: دکتر حسن نیک‌کار

سردبیر: علی تقی‌نژاد

اعضای هیئت تحریریه:
دکتر شهاب‌الدین عالمی
حجت‌الاسلام سیدحسین چاوشیان
دکتر علی تقی نژاد
دکتر فاطمه رضوی راد
دکتر مرضیه صادقیان

طراح گرافیک: نسرین اصغری

فهرست

- خلیج فارس؛ احیای نظم تمدنی بر اریکه جغرافیای مقاومت-سرمقاله ۶
- روایت خلیج فارس در بیانات رهبر معظم انقلاب -شمسعلی تابیده ۸
- حقّ بر مدیریت تنگه‌ی هرمز از منظر حضرت آیت‌الله سیّد مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله)- علی تقی نژاد ۱۰
- راهبرد جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز و خلیج فارس با تأکید بر اقتصاد دریامحور - محمد علی جبرئیلی ۱۲
- معماری آینده نظم منطقه‌ای در خلیج فارس بدون حضورِ فرامنطقه‌ای‌ها- معصومه حسینی‌تبار ۱۴
- سه ضلع راهبردی صیانت از حریم آبی ایران؛ از مقاومت تاریخی تا عمل‌گرایی دولت در تراز انقلاب اسلامی- زهرا خانی زارع ۱۶
- تحلیل ژئواستراتژیک امنیت در تنگه هرمز؛ تبیین حقوق حاکمیتی و بازدارندگی بومی- ملیحه خواجوی ۱۸
- مدیریت جدید تنگه هرمز؛ طلیعه نظم نوین جهانی با محوریت ایران اسلامی در چله دوم انقلاب - مهدی سورمه ۲۰
- خلیج فارس: نماد غیرت، تاریخ و اقتدار - مرضیه صادقیان ۲۲
- خلیج فارس، میراث مقاومت و طلیعه نظم جدید - شهاب الدین عالمی ۲۴
- اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران در ادوار تاریخی مختلف- محمود عرب اسماعیلی ۲۶
- راهکارهای عملیاتی برای ایجاد فصل جدید خلیج فارس- مهدی گنجی مهنه ۲۸

بیعت‌نامه
پژوهشگران معارف انقلاب اسلامی
با سومین رهبر معظم انقلاب اسلامی،
حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله)

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
«الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»

اینک و در این مقطع حساس از تاریخ انقلاب اسلامی ایران که قلوب شیعیان، عزادار امام شهیدشان توسط اشقی‌الاشقیای زمانه است و به فضل و مدد الهی به انتقامی سخت از سوی یاران صدیق و وفادار آن امام شهید منتهی خواهد شد، شاهد لطفی دیگر از الطاف بی‌کران الهی در حق این ملت شریف به‌واسطه معرفی صالح امت از سوی مجلس خبرگان رهبری هستیم که موجبات فزونی امید و تسکین قلوب اهل حق و یأس و ناامیدی اهل کفر و باطل را منجر شد. والحمدلله رب العالمین.
قطعاً حمله ددمنشانه و خلاف حقوق مسلم انسانی و بین‌المللی دشمن خون‌ریز نتوانست به سستی باورها و اراده‌ها در میان صفوف مستحکم ملت بیانجامد و این جز لطف و مدد حضرت ربوبی چه می‌تواند باشد و جز شکر چه می‌توان بر زبان جاری ساخت.

پژوهشگران معارف انقلاب اسلامی ضمن عرض تبریک، تسلیت و تعزیت به امام امت حضرت آیت‌الله حاج سید مجتبی حسینی خامنه‌ای عزیز، بیعتی از جنس بیعت نور و رضوان را با خلف صالح و نور چشم امام شهیدمان اعلام می‌داریم و رجاء واثق به درگاه الهی داریم که این بیعت تا سرمنزل شهادت با گامی استوار و قلبی مطمئن همراه و توشه آخرتمان باشد ان‌شاءالله.

ای رهبر عزیز؛
عهد ما با شماست که مسیر رشد و پیشرفت را از خودسازی آغاز کرده و اندیشه، دانش و قلم خویش را در خدمت آگاهی، مسئولیت‌پذیری و اخلاق قرار دهیم و با تلاش پیوسته در راه جامعه‌پردازی و نیل به تمدن‌سازی از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم.

ما عهد می‌بندیم که با حفظ روحیه اخلاص، تقوا و تلاش علمی، در مسیر پاسداری از ارزش‌های الهی و آرمان‌های بلند اسلام ثابت‌قدم بمانیم و سرمایه اندیشه و پژوهش خود را در راه اعتلای فرهنگ دینی و گسترش آگاهی در جامعه به‌کار گیریم.

ما بر آنیم که قلم، اندیشه و تلاش علمی خود را در خدمت ترویج معارف اسلامی، تعمیق ایمان جامعه و گسترش فرهنگ حق‌طلبی و عدالت‌خواهی قرار دهیم و در مسیر هدایت و روشنگری، مسئولانه و استوار گام برداریم.

ما بر این باوریم که راه علم، معرفت و تبیین معارف ناب اسلامی، راهی است که با مجاهدت عالمان ربانی و فداکاری صالحان تاریخ تداوم یافته و امروز نیز بر دوش اهل قلم و اندیشه قرار دارد. از این‌رو خود را موظف می‌دانیم که با اخلاص، تقوا و تلاش پیگیر علمی، در مسیر ترویج معارف اسلامی، تعمیق ایمان و گسترش آگاهی در جامعه گام برداریم.

از خداوند متعال مسئلت داریم که ما را در این مسیر ثابت‌قدم بدارد و توفیق خدمت خالصانه به معارف نورانی اسلام و آرمان‌های بلند امت اسلامی را روزی ما قرار دهد.

نصر من الله و فتح قریب
پژوهشگران ادوار پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

سرمقاله

«خلیج فارس؛ احیای نظم تمدنی بر اریکه جغرافیای مقاومت»

خلیج فارس صرفاً یک پهنه آبی در جنوب ایران نیست؛ این جغرافیا بخشی از حافظه تاریخی، هویت تمدنی و امنیت راهبردی ملت‌های منطقه به شمار می‌آید. در طول قرن‌ها، این آبراه مهم نه‌تنها مسیر ارتباطی شرق و غرب بوده، بلکه به دلیل جایگاه بی‌بدیل خود در اقتصاد جهانی، همواره کانون رقابت قدرت‌های سلطه‌گر و طمع‌ورزی استعمارگران نیز بوده است. از پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها تا حضور نظامی آمریکا در دهه‌های اخیر، تاریخ خلیج فارس آکنده از تلاش بیگانگان برای سلطه بر این منطقه حساس است؛ اما در مقابل، مقاومت تمدن ایرانی نیز همواره مانع تثبیت این سلطه شده است.

نام خلیج فارس با مفهوم استقلال و ایستادگی پیوند خورده است. ملت ایران به‌عنوان ملتی برخوردار از طولانی‌ترین ساحل این آبراه، بیشترین هزینه را برای حفظ امنیت و استقلال آن پرداخت کرده است. از آزادسازی تنگه هرمز در دوران صفویه تا مقابله با استعمار مدرن در سده اخیر، این منطقه همواره صحنه دفاع ایرانیان از حاکمیت ملی و امنیت منطقه‌ای بوده است. با این حال، نقطه عطف این روند تاریخی را باید در پیروزی انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد؛ انقلابی که نه‌تنها معادلات داخلی ایران، بلکه نظم سیاسی و امنیتی حاکم بر منطقه بلکه دنیای دو قطبی آن زمان را نیز دگرگون ساخت.

در دهه‌های گذشته، حضور آمریکا در خلیج فارس با ادعای تأمین امنیت توجیه می‌شد، اما تجربه عملی منطقه نشان داد که این حضور بیش از آنکه مولد ثبات باشد، به گسترش ناامنی، رقابت تسلیحاتی و وابستگی سیاسی انجامیده است.

جنگ‌ها، اشغالگری‌ها، تحریم‌ها و بحران‌های امنیتی متعددی که طی سال‌های اخیر در غرب آسیا شکل گرفت، همگی به نحوی با سیاست‌های مداخله‌جویانه قدرت‌های فرامنطقه‌ای پیوند داشته‌اند. از همین رو، تحولات اخیر منطقه و ناکامی آمریکا در تحقق اهداف خود، بیش از گذشته این واقعیت را آشکار ساخت که امنیت خلیج فارس نمی‌تواند بر پایه حضور بیگانگان شکل گیرد.

در دو ماه گذشته، منطقه شاهد رخدادهایی بود که بسیاری از معادلات پیشین را تغییر داد. اقتدار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در کنار انسجام اجتماعی و حمایت مردمی، تصویر متفاوتی از توان منطقه‌ای ایران ارائه کرد. این تحولات تنها یک نمایش نظامی نبود، بلکه نشانه‌ای از تغییر تدریجی توازن قدرت در منطقه به سود ملت‌هایی بود که خواهان استقلال و نفی سلطه خارجی هستند. امروز حتی برخی دولت‌های منطقه نیز به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تکیه بر



قدرت‌های خارجی نه‌تنها امنیت‌آفرین نیست، بلکه آنان را به بخشی از بحران تبدیل می‌کند.

در این میان، تنگه هرمز جایگاهی فراتر از یک گذرگاه دریایی دارد. این تنگه، شاهراه حیاتی انرژی جهان و یکی از مهم‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی عصر حاضر است. هرگونه تحول در مدیریت امنیتی و حقوقی این منطقه، آثار مستقیم بر اقتصاد جهانی خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های گذشته نشان داده است که علی‌رغم فشارها و تهدیدها، امنیت این آبراه را حفظ کرده و اجازه نداده است بی‌ثباتی فراگیر بر آن حاکم شود. اکنون نیز سخن از «اِعمال قواعد حقوقی جدید» تنگه هرمز، بیش از آنکه به معنای ایجاد محدودیت باشد، بیانگر ضرورت شکل‌گیری ترتیبات امنیتی بومی و منطقه‌محور است؛ ترتیباتی که در آن، کشورهای منطقه خود مسئول تأمین امنیت جمعی باشند.

واقعیت آن است که آینده خلیج فارس را نه ناوهای جنگی فرامنطقه‌ای، بلکه همکاری ملت‌ها و دولت‌های همسایه تعیین خواهد کرد. ایران بارها تأکید کرده است که امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود. این نگاه، برخلاف تصویرسازی‌های رسانه‌ای غرب، مبتنی بر منطق هم‌سرنوشتی ملت‌های ساحلی خلیج فارس است. توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و رفاه عمومی در این منطقه زمانی تحقق می‌یابد که سیاست‌های سلطه‌جویانه جای خود را به همکاری، گفت‌وگو و احترام متقابل بدهد.

از سوی دیگر، تحولات اخیر نشان داد که سرمایه اصلی ایران تنها در توان نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه انسجام ملی، سرمایه انسانی، ظرفیت‌های علمی و فناوری‌های نوین نیز بخش مهمی از قدرت ملی کشور را تشکیل می‌دهند. حضور نسل جوان متخصص در عرصه‌های پیشرفته علمی و فناوری، از فناوری هسته‌ای تا صنایع دفاعی و دانش‌بنیان، بیانگر آن است که ایران امروز صرفاً یک بازیگر منطقه‌ای سنتی نیست، بلکه قدرتی چندبعدی با ظرفیت اثرگذاری بلندمدت در نظم نوین جهانی است.

خلیج فارس امروز در آستانه مرحله‌ای تازه قرار دارد؛ مرحله‌ای که می‌تواند آغازگر نظم نوینی در بخش مهمی از جهان یعنی غرب آسیا باشد. نظمی که در آن، ملت‌ها نقش پررنگ‌تری در تعیین سرنوشت خود خواهند داشت و وابستگی به قدرت‌های خارجی به تدریج جای خود را به همکاری‌های منطقه‌ای خواهد داد. بی‌تردید مسیر رسیدن به چنین افقی ساده و بدون چالش نخواهد بود، اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که اراده ملت‌ها در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های خارجی می‌تواند معادلات دیرپا را تغییر دهد. خلیج فارس، همان‌گونه که در تاریخ نماد مقاومت بوده، اکنون نیز می‌تواند به نماد استقلال، همگرایی منطقه‌ای و شکل‌گیری آینده‌ای متفاوت برای ملت‌های منطقه تبدیل شود.



«روایت خلیج فارس در بیانات رهبر معظم انقلاب»

شمسعلی تابیده

پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

وقتی بیانات رهبر جدید معظم‌له در روز ملی خلیج فارس را خواندم، نفسی به عمق تاریخ کشیدم. نه نفسِ خستگی، که نفسِ تعمق. چند دقیقه‌ای در خود فرو رفتم: نه از سر ملال روزمرگی، که از سر شرمی شیرین و افتخاری سترگ. شرم از اینکه گاه در هیاهوی زندگی روزانه، غافلیم از نعمتی که «خلیج فارس» نام دارد؛ این شاهراه حیاتی که دنیا امروز انگشت حیرت به دهان گرفته از شگفتی‌هایش. و افتخار از اینکه ملتی داریم با قامتی استوار؛ هنوز در کوچه‌ها و خیابان‌ها، در کنار رزمندگان وطن، در میدان دفاعِ همه‌جانبه ایستاده‌اند؛ نه با تفنگ که با اراده.



یادداشت رهبری، آیینه تمام‌نمای واقعیت تلخ و شیرین امروز ماست. آنچه در این بیانات موج می‌زند، این حقیقتِ تکان‌دهنده است: «استعمارگر دشمن است»؛ امریکا و انگلیس و.. ندارد. این را با پوست و استخوان حس کرده‌ایم. اما اکنون، در کنار پیام روز خلیج فارس، معنایش ژرف‌تر می‌شود. آنان که از هزاران کیلومتر دورتر آمده‌اند تا در آبهای ما لانه کنند، چه فرق می‌کند کدام حزب در کاخ سفید باشد؟ ذاتشان یکی است: سلطه، غارت، آشوب‌گری، ناامنی و تحریم. در این نقطه، ادبیات ضد استعماری انقلاب اسلامی با رهبران و ملتی ظلم‌ستیز گره می‌خورد. مستکبر همواره پایگاهش را در آبهای نیلگون خلیج همیشه فارس و اطراف ایران با جنگ می‌جوید، اما هرگز از آن خود نمی‌شود؛ تنها چپاول و غارت می‌کند.

چه زیبا و رسا یادآوری کردند که مقاومت فقط شعار نیست؛ روایتی است از دل تاریخ. از اخراج پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها تا دلاوری‌های مردان نیروی دریایی ارتش و سپاه در برابر آمریکا. این آبها با سواحل بسیار طولانی از پهنه‌های عظیم اقیانوس هند و دریای مکران تا خلیج فارس و اروندرود به خون پاک جوانان این سرزمین آغشته است. سواحل جنوب ایران نه‌تنها گذرگاه تجارت، که خط مقدم رویارویی با استعمار بوده. امروز همان رزمندگان دیروز، با فناوری‌های نانو، بیوتکنولوژی، هسته‌ای و موشکی و... از این پهنه‌های عظیم حراست می‌کنند. اینجا تلفیق سنّت و مدرنیته کامل بومی اصیلِ ایرانی در خدمت امنیت ملی معنا می‌شود.

اما فراتر از همه اینها، جمله‌ای که بر دلم نشست این بود: «ما با همسایگان خود سرنوشت مشترک داریم». از نگاه ژئوپولتیک، استراتژیک و اکونومیک، این یعنی خلیج فارس یک «منطقه طبیعی» است با زیست‌بوم،

اقتصاد و تهدیدات مشترک. نعمتی که همه ملت‌های منطقه از آن بهره می‌برند، اما کمتر کسی می‌داند امنیتش بدون ایران ممکن نیست. آینده این منطقه، آینده‌ای بدون آمریکاست؛ آینده‌ای که در آن کشورهای منطقه خود تصمیم‌گیرنده و خود تأمین‌کننده امنیت خویشند. از این سخن، ته دلم برای کشورهای حاشیه خلیج فارس سوخت. چرا هنوز بیدار نشده‌اند؟ چرا به جای تکیه بر توان رعایت اصول بومی، اسلامی و همسایگی و پتانسیل منطقه‌ای، به دشمنی پناه برده‌اند که پایگاه‌هایش «توخالی» است؟ آری، این توخالی بودن پایگاه‌های آمریکایی برای هر ایرانی یک تحلیل میدانی است، نه شعار. چهار دهه سیاست خبیثانه علیه ایران، کارنامه شوم همین «حامیان» است. گریه می‌کنم به حال این ملت‌ها با این حاکمان هوس‌باز. اندیشه رهبران ما عزت‌مندی و نجات بشریت است؛ اندیشه این نوکران، خدمت به سلطه‌گران، ما کجا اینها کجا؟

این وعده که «طلوع نظم جدید در منطقه و جهان نزدیک است» تنها یک شعار سیاسی نیست؛ دستاورد دهه‌ها ایستادگی و بهایی است که این ملت پرداخته است. رهبر جدید نه از موضع ضعف، بلکه از موضع قدرت و عزت سخن می‌گوید و «مدیریت جدید تماماً بومی تنگه هرمز» را اعلام می‌کند؛ نه برای تهدید، بلکه برای تأمین «آسایش و برکات اقتصادی همه ملت‌های منطقه». تنگه هرمز صرفاً یک تنگه نیست؛ مرکز ثقل انرژی جهان است که مدیریت بومی آن، معمای امنیت و رفاه را یکجا حل می‌کند. امروز اقتصاد، میدان جنگ است. ترامپ و همپیمانانش اقتصاد را برای ایران چون میدان جنگ ترسیم کردند. پاسخ ما «اقتصاد مقاومتی» است؛ نه انفعال، که نوآوری در محاصره.

در پایان، با خود زمزمه می‌کنم: که «روایت خلیج فارس» فقط یک اسم روی نقشه نیست؛ آبروی ماست، هویت ما، گذشته ما و آینده ما. و ما وارثانی هستیم که این امانت را باید سربلند به نسل بعد بسپاریم.

چه زیبا گفت رهبر عزیز: «بیگانگان جایی در آن ندارند، مگر در قعر آبهایش». ان‌شاءالله که این روزها، طلوع همان نظم جدیدی باشد که در آن ملت‌های منطقه، دست در دست هم، بدون دخالت بیگانه، آینده خود را می سازند.



حقّ بر مدیریت تنگه‌ی هرمز از منظر حضرت آیت‌الله سیّد مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله)

علی تقی‌نژاد

پژوهشگر دوره هفتم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

یکی از موفقیت‌های بسیار مهمِ جنگ تحمیلی سوم، بستن تنگه‌ی هرمز توسط نیروهای دریاییِ مقتدرِ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. از این مسئله‌ی اساسی، خیلی ساده نباید گذشت؛ چراکه آمریکای جنایتکار بر بازشدنِ مجدّد آن بسیار تلاش می‌کند و نمی‌خواهد در مسائل اقتصادیِ مرتبط با کشور خود و سایر هم‌پیمان‌هایش، بیش از این ضرر کند. به همین منظور، قبل از آتش‌بس یا «سکوت صحنه نبرد نظامی»، هدف دشمن از جنگ تحمیلی علیه ما، «نابودی جمهوری اسلامی در سه روز» بود که به «محاصره‌ی دریاییِ خلیج فارس» تقلیل یافت که این نشان از ضعفِ عملکرد و خطای محاسباتیِ شیطان بزرگ است.

مجوز قانونیِ انسدادِ تنگه‌ی هرمز

ذیلِ بند اول از ماده ۱۹ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا مصوّب دهم دسامبر ۱۹۸۲ میلادی - که جمهوری اسلامی ایران، کنوانسیون مذکور را امضا نموده، ولی همچنان آن را در مجلس شورای اسلامی، به تصویب نرسانده - راجع به «معنای عبور بی‌ضرر» مقرّر شده است: «عبور، بی‌ضرر است؛ مادامی که مخلّ صلح، نظم عمومی و یا امنیتِ کشورِ ساحلی نباشد. عبورِ بی‌ضرر مطابق با این کنوانسیون و سایر مقررات حقوق بین‌الملل صورت خواهد گرفت.» لذا «قیودِ سه‌گانه‌ای» که در این بند ذکر شده، در صورتِ عدم رعایت آنها، کشور ایران می‌تواند مانع از تردّد کشتی و نفت‌کش و غیره از تنگه‌ی هرمز بشود.

همچنین طبق ماده (۷) «قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» مصوب ۱۳۷۲: «به‌منظور حفظ مصالح کشور و حسن اجرای عبور بی‌ضرر، دولت جمهوری اسلامی ایران برحسب مورد، مقرراتِ ضروریِ دیگر را وضع خواهد کرد.» به نظر می‌رسد عبارتِ «مقرراتِ ضروری دیگر» باید با توجه به شرایط صلح و جنگ تعریف گردد که ازجمله‌ی آنها، بستنِ تنگه‌ی هرمز تا تعیین تکلیف نهاییِ جنگ است.



اقدامات حقوقی راجع به تنگه‌ی هرمز

رهبر معظّم انقلاب اسلامی در اولین پیام خود خطاب به ملت نوشتند: «قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردنِ تنگه‌ی هرمز باید استفاده شود» و در پیام خود به مناسبت اربعین رهبر شهیدمان، راجع به اهمیّت تنگه‌ی هرمز فرمودند: «حتماً مدیریتِ تنگه‌ی هرمز را به مرحله‌ی جدیدی وارد خواهیم نمود». همچنین در روز دهم اردیبهشت به مناسبت روز ملی خلیج فارس، مجدداً بر این مسئله تأکید نموده و فرمودند: «قواعد حقوقی و اِعمال مدیریت جدید تنگه‌ی هرمز،

آسایش و پیشرفت را به نفع همه‌ی ملّت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهبِ اقتصادی آن، دل ملّت را شاد خواهد کرد». ایشان علاوه بر آنکه معتقدند باید نسبت به تنگه‌ی هرمز، قواعد حقوقیِ اداره‌ی تنگه‌ی هرمز به تصویب برسد، باید مدیریت جدیدی بر آن اعمال گردد؛ چراکه تنها در این صورت است که پیشرفت و رفاه به سودِ تمامی همسایگان خواهد بود و وضعیت اقتصادیِ نامناسب و بعضاً وابسته به دیگران نیز رو به بهبودی خواهد رفت. لذا ازجمله اقداماتِ حقوقی، این است که: اولاً اهرمِ انسداد تنگه‌ی هرمز و عدم تجویزِ عبور و مرور به نفتکش، شناور و کشتی‌ها، مخصوصاً کشتی‌های متعلّق به آمریکا و رژیم صهیونیستی، همچنان پابرجا بماند. گشایش مجدّد آن، منوط به اذن ولیّ فقیه است. همچنین وزارت امور خارجه نباید بدون هماهنگی با شورای عالی امنیت ملی، به باز نگهداشتنِ تنگه، اقدام کند و به برخی کشورها قولِ مساعدت و همکاری بدهد و همچنین برخی سفرای ایران هم باید نسبت به این مسئله، تابعِ فرامین رهبری باشند و نظر شخصیِ خود را در فضای مجازی اعلام نکنند.

ثانیاً وظیفه‌ی مجلس و شورای نگهبان در این مقطع زمانی حسّاس، محرز بوده و با تصویب و تأییدِ قانون مختصّ آن، باید اقتدار و حاکمیت قانونی را به دشمنان نشان دهیم و نباید با تعطیلیِ بلندمدت و عدمِ اقدامِ قانونیِ سریع، مانع از پیشرفت در این زمینه گردید.

نتیجه‌گیری

تنگه‌ی هرمز، مسئله‌ی راهبردی و ناموسیِ جمهوری اسلامی تلقی می‌شود و با توجه به نظر رهبر معظّم انقلاب، مدیریت آن برعهده‌ی ایران بوده و دشمن نه‌تنها هیچ حقی بر آن نخواهد داشت، بلکه با اخراج او از منطقه، منافع زیادی به کشورهای همسایه خواهد رسید. البته آن کشورها هم باید از موضع انفعالی خارج شده و اقداماتی را به جهتِ حُسنِ همجواری انجام بدهند؛ همان‌طور که رهبری معظّم در اولین پیامِ خود فرمودند: «این کشورها باید تکلیفِ خود را با متجاوزینِ به وطنِ عزیزمان و قاتلینِ آحادِ مردمِ ما معلوم کنند. من توصیه می‌کنم هرچه زودتر آن پایگاه‌ها را تعطیل کنند؛ چون لابد تابه‌حال فهمیده‌اند که ادّعای برقراری امنیّت و صلح از سوی آمریکا، دروغی بیش نبوده است. این امر باعث می‌شود تا با ملّت‌های خودشان که عموماً از همراهی با جبهه‌ی کفر و رفتارِ تحقیرآمیزِ آن ناراضی هستند، پیوند بیشتری پیدا کرده و بر ثروت و قدرت‌شان افزوده شود.» ایشان در این پیام هم به «ثروتِ» آن کشورها اشاره کرده بودند و مجدداً در پیام به مناسبت روز ملی خلیج فارس، ضمنِ تأکید بر این موضوع، به پیشرفت و آسایشِ آنها نیز تصریح نمودند. به عبارتی دیگر، این که بر بسته‌نگهداشتنِ تنگه‌ی هرمز و اعمال مدیریت جدید آن متناسب با قواعد حقوقی، همچنان اصرار خواهیم داشت و احدی جز ولیّ فقیه نمی‌تواند در این مورد، فرمانی صادر کند، صرفاً برای امنیت و پیشرفتِ مردمانِ کشورِ خودمان نیست؛ ایران به فکرِ کشورهای همسایه و «هم‌سرنوشت» هم هست؛ البته اگر آن کشورها، درست انتخاب کنند و عاقلانه رفتار نمایند.



راهبرد جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز و خلیج فارس با تأکید بر اقتصاد دریامحور

محمد علی جبرئیلی

پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

پیام اخیر رهبر معظّم انقلاب اسلامی به مناسبت «روز ملی خلیج فارس» را می‌توان راهبرد کلان برای آینده ایران معرفی کرد؛ این پیام در سطحی عمیق‌تر، واجد مؤلفه‌های یک «سند راهبردی» است که در آن، خطوط کلی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در معادلات ژئوپلیتیکی خلیج فارس و به‌ویژه تنگه هرمز ترسیم می‌شود. در این چارچوب، مفاهیمی مانند هویت دینی و تمدنی، نفی سلطه‌پذیری، دشمن‌شناسی، نقش قدرت ملی، اقتصاد دریامحور و آینده‌نگری راهبردی و به‌صورت هم‌افزا کنار هم قرار گرفته‌اند و یک تصویر کلان از «راهبرد دریایی-منطقه‌ای» جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌کنند.

هویت دینی، ملی و تمدنی

اشاره رهبر انقلاب به «موهبت الهی» بودن خلیج فارس، صرفاً یک تعبیر معنوی یا عاطفی نیست؛ بلکه به‌لحاظ نظری می‌توان آن را بخشی از «گفتمان هویت‌بخش» جمهوری اسلامی ایران دانست. در ادبیات دینی، موهبت به نعمتی گفته می‌شود که خداوند از سر حکمت و رحمت در اختیار انسان قرار می‌دهد تا زمینه رشد، اقتدار و سعادت او را فراهم سازد. از این منظر، خلیج فارس صرفاً یک پهنه آبی یا موقعیت جغرافیایی نیست، بلکه نعمتی راهبردی است که در بستر تاریخ و تمدن ایران جایگاهی ویژه یافته است. در علوم سیاسی و مطالعات راهبردی، چنین برداشتی را می‌توان در چارچوب «امنیت هستی شناختی (Ontological Security)» تحلیل کرد؛ یعنی امنیتی که صرفاً به حفظ مرزهای فیزیکی محدود نیست، بلکه به حفظ روایت تاریخی، هویت و تداوم معنای جمعی یک ملت نیز مربوط است.

از کریدور انرژی تا اقتصاد دریامحور

تنگه هرمز به‌عنوان گلوگاه حیاتی اقتصاد جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال انرژی و کالا دارد. چنین موقعیتی، خلیج فارس را به نقطه‌ای حساس در رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی تبدیل کرده است. از این منظر، ایران با برخورداری از ساحل طولانی در شمال تنگه، عملاً یک بازیگر تعیین‌کننده در مدیریت ریسک‌های امنیتی و اقتصادی این گذرگاه به‌شمار می‌رود. این موقعیت، ظرفیت تبدیل «ژئوپلیتیک به ژئواکونومیک» را برای ایران فراهم می‌کند. در چارچوب اقتصاد سیاسی بین‌الملل، توسعه پایدار مناطق راهبردی نیازمند پیوند امنیت و اقتصاد است. تأکید رهبر معظم انقلاب بر ظرفیت‌های اقتصادی خلیج فارس را می‌توان در راستای راهبرد «اقتصاد دریامحور» تحلیل کرد. اقتصاد دریامحور مبتنی بر بهره‌برداری پایدار از منابع و کارکردهای دریایی در حوزه‌هایی چون حمل‌ونقل، ترانزیت، صنایع فراساحل، شیلات، گردشگری دریایی و خدمات بندری است.

از استعمار دریایی تا انقلاب اسلامی

در پیام رهبر معظّم انقلاب، مفهوم «مقاومت» بسیار گیرا است، اشاره ایشان به سیر تاریخی حمله کشورهای استعمارگر به ایران در خلیج فارس از سوی پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها که تلاش کردند بر این منطقه تسلط پیدا کنند، اما مقاومت مردم ایران مانع تثبیت چنین سلطه‌ای شد، نوعی تداوم‌سازی گفتمان مقاومت است. به عبارتی، انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه عطفی در احیای استقلال و اقتدار ایران مطرح می‌شود. در واقع این انقلاب اسلامی بوده که توانست ثمره خون همه دلیران و مدافعان خلیج فارس را به منصه ظهور برساند و با یک هویت‌بخشی به این موضوع، اقدام به بازتعریفِ نقش و جایگاه

خود برای مدیریتِ یکی از مهمترین مسیرهای راهبردی دنیا شود.

دشمن‌شناسی و بازتعریفِ معادله امنیت در خلیج فارس

نکته دیگری که از پیام معظّم‌له می‌توان برداشت نمود، این است که اشاره ایشان به دشمن‌شناسی در زمان حال و نقشه‌های شوم آن برای مردم ایران است. در پیام، از ایالات متحده با تعبیر «شیطان بزرگ» یاد و تنها عامل اصلی ناامنی در خلیج فارس، «حضور و لانه‌گزینی آمریکا» در این منطقه معرفی می‌شود. این نگاه، معادله امنیت را از «تهدیدات درون‌منطقه‌ای» به سمت «تهدید خارجی» بازتعریف می‌کند؛ یعنی ناامنی، محصول حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای است و خروجِ این قدرت‌ها، می‌تواند به ایجاد نظم بومی‌تر و پایدارتر منجر شود.

کشورهای منطقه و راهبرد «هم‌سرنوشتی»

استفاده از مفهوم «هم‌سرنوشتی» در این زمینه قابل توجه است. این مفهوم بیانگر آن است که امنیت و ثبات کشورهای منطقه به یکدیگر گره خورده است و هیچ کشوری نمی‌تواند خود را جدا از تحولات امنیتی همسایگانش تعریف کند. بر اساس این نگاه، همکاری منطقه‌ای و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی می‌تواند زمینه‌سازِ شکل‌گیریِ نظمِ باثبات‌تری در خلیج فارس باشد؛ نظمی که در آن کشورهای منطقه، نقش اصلی را در تأمین امنیت و توسعه اقتصادی خود ایفا کنند. درواقع این پیام را می‌توان اینگونه تفسیر نمود که موفقیت و پیروزی ایران، موفقیت و پیروزی کشورهای حوزه خلیج فارس را در پی دارد و آسیب به ایران، باعث آسیب و شکست آنان خواهد شد.



اتحاد ملت و قدرت ملی

در پیام رهبر معظّم بر نقش مردم، ظرفیت‌های علمی و صنعتی و گفتمان «ایران قوی» اشاره شده است. این رویکرد با مفهوم «قدرت ملی مرکب» قابل تبیین است؛ مفهومی که قدرت را حاصل تلفیق منابع سخت (نظامی) و نرم (علمی، فناوری، اقتصادی و انسانی) می‌داند. آینده مدیریت تنگه هرمز، در این چارچوب، به ترکیبی از توان بازدارندگی، قواعد حقوقی و ظرفیت‌های ژئواکونومیکی وابسته است. پیشرفت در حوزه‌های علمی، فناوری دریایی و صنایع مرتبط با دریا می‌تواند جایگاه ایران را در منطقه تقویت کند.

آینده تنگه هرمز و نظم جدید منطقه‌ای

تأکید معظّم‌له بر «اعمال قواعد حقوقی» به معنای تمایل به نظم مبتنی بر حقوق بین‌الملل با تفسیر و قرائت متناسب با منافع ملی ایران است. به عبارت دیگر شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای، مستلزم کاهش نقش قدرت‌های متخاصم و تقویتِ قدرت ملی ایران است؛ نظمی که در آن ایران به‌عنوان بازیگر اصلی ایفای نقش می‌کند.

در پایان می‌توان گفت که نگاه جمهوری اسلامی ایران به خلیج فارس و تنگه هرمز، نگاهی چندبعدی است. در این نگاه، هویت تاریخی، حفظ حاکمیت ملی، امنیت منطقه‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی دریا به یکدیگر پیوند خورده‌اند. توسعه اقتصاد دریامحور، تقویت توان داخلی و گسترش همکاری با کشورهای منطقه می‌تواند زمینه استفاده بهتر از این ظرفیت بزرگ را فراهم کند.

معماری آینده نظم منطقه‌ای در خلیج فارس بدون حضورِ فرامنطقه‌ای ها

معصومه حسینی‌تبار

پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

منطقه خلیج فارس که همواره به‌عنوان شاهراهِ حیاتیِ انرژی و پیوندگاهِ تمدن‌ها شناخته می‌شده، امروز در آستانه تحول بنیادینی است. رهبر معظّم انقلاب اسلامی در پیام خود به مناسبت دهم اردیبهشت، روز ملی خلیج فارس، معماری آینده این منطقه را بدون حضور بیگانگان ترسیم کرده‌اند. ایشان با تأکید بر «فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز» اعلام داشته‌اند که «آینده درخشان منطقه خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش خواهد بود».

اصول حاکم بر نظم منطقه‌ای در خلیج فارس

سؤالی که قابل طرح است، این که معماری آینده نظم منطقه‌ای در خلیج فارس بر پایه چه اصولی استوار خواهد بود؟ رهبر انقلاب در بیانات خود، سه رکن اساسی برای این نظم نوین ترسیم فرموده‌اند: اول: هم‌سرنوشتی ملت‌های منطقه؛ ایشان تأکید می‌کنند که «ما با همسایگان خود در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان دارای «سرنوشت» مشترک هستیم». این نگاه مبتنی بر واقعیت ژئوپلیتیک منطقه است که در آن تأمین امنیت جمعی، جایگزین رویکردهای سلطه‌طلبانه خواهد شد.

دوم: امنیت درون‌زا؛ برخلافِ الگوی سنتی مبتنی بر «استخدام» قدرت‌های فرامنطقه‌ای، نظم جدید بر توانمندی‌های بومی تأکید دارد. تجربه شکست آمریکا در کارزار نظامی اخیر، ناکارآمدی حضور بیگانگان را اثبات کرده است. چنانکه رهبر معظّم انقلاب فرمودند: «پایگاه‌های پوشالی آمریکا تاب و توان تأمین امنیت خود را نیز ندارند، چه رسد به اینکه امیدی به تأمین امنیت وابستگان و آمریکاپرستان منطقه توسط آمریکا باشد».

سوم: مدیریت بومی تنگه هرمز؛ با توجه به طولانی‌ترین خط ساحلی ایران در خلیج فارس و حاکمیت تاریخی بر این آبراه راهبردی، «قوانین و مدیریت جدیدی برای تنگه هرمز» وضع خواهد شد که هدف آن «رفع سوء استفاده دشمن متخاصم» است.

جایگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معماری جدیدِ خلیج فارس

از پرسش‌های اساسی دیگر این است که در معماری جدید، جایگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا چگونه تعریف می‌شود؟ پاسخ رهبر انقلاب قاطع و روشن است: «بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر طمعکارانه در آن به شرارت می‌پردازند، هیچ جایگاهی در آن ندارند، جز در اعماق آب‌هایش». این موضع‌گیری ریشه در واقعیت عینی دارد: آمریکا پس از شکست در جنگ تحمیلی سوم علیه ایران، عملاً توانایی خود را برای اعمال هژمونی در منطقه از دست داده است. ازاین‌رو، «زنجیره این پیروزی که به فضل خداوند متعال در سایه تدابیر و سیاست‌های مقاومت رقم خورده، سرآغاز نظم جدیدی در منطقه جهان خواهد بود». نظم جدید منطقه‌ای، صرفاً بر پایه طرد بیگانگان شکل نمی‌گیرد، بلکه معماری مثبتی برای همکاری‌های جمعی دارد. رهبر انقلاب وعده داده‌اند که مدیریت جدید تنگه هرمز «آرامش، پیشرفت و منافع اقتصادی را برای تمام ملت‌های منطقه به ارمغان خواهد آورد و برکات اقتصادی مردم را شادمان خواهد کرد». این رویکرد می‌تواند زمینه‌سازِ شکل‌گیری اتحادیه منطقه‌ای مبتنی بر منافع مشترک اقتصادی، ازجمله کریدورهای ترانزیتی و انرژی، میان کشورهای ساحلی خلیج فارس گردد. وابستگی کشورهای عربی منطقه

به حمایت‌های امنیتی غرب به تدریج، کاهش یافته و الگوی بومیِ تأمینِ امنیتِ جمعی، جایگزین خواهد شد.

چالش‌های گذار از نظم قدیم به معماری جدید خلیج فارس

بدیهی است که گذار از نظم قدیم به معماری جدید بدون چالش نخواهد بود. بی‌اعتمادی تاریخی میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس از یک‌سو، و فشارهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای حفظ حضور خود از سوی دیگر، از موانع جدی محسوب می‌شوند. رهبر انقلاب با بصیرتی عمیق، راه برون‌رفت از این چالش‌ها را ترسیم فرموده‌اند: ملت‌های منطقه «با چشمان خود در شصت روز گذشته مظاهر زیبای ایستادگی، هوشیاری و مبارزه شجاعانه نیروهای دریایی ارتش و سپاه را در کنار غیرت و جوانمردی مردم منطقه جنوب ایران در طرد سلطه بیگانگان مشاهده کرده‌اند».

نتیجه

لذا معماری آینده نظم منطقه‌ای در خلیج فارس، برخلاف الگوهای شکست‌خورده گذشته که مبتنی بر حضور بیگانگان بود، بر سه اصل «هم‌سرنوشتی»، «امنیت درون‌زا» و «مدیریت بومی» استوار است. آینده منطقه به میزان پذیرش این اصول توسط همه کنشگرانِ منطقه‌ای وابسته است؛ اصلی که اگر محقق شود، نه‌تنها منافع ایران، بلکه ثبات، آسایش و رفاه پایدار را برای تمامی ملت‌های منطقه به دنبال خواهد داشت. به فرموده رهبر معظّم انقلاب: «به حول و قوه الهی، آینده درخشان منطقه خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش خواهد بود».

به امید پیروزی کامل جبهه حق علیه باطل و سرفرازی میهن عزیزمان با رهبری مقتدرانه‌ی امام سید مجتبی خامنه‌ای (مدّظلّه‌العالی)، ان‌شاءالله.



سه ضلع راهبردی صیانت از حریم آبی ایران؛ از مقاومت تاریخی تا عمل‌گرایی دولت در تراز انقلاب اسلامی

زهرا خانی زارع

پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت روز ملی خلیج‌فارس، به‌عنوان یک دکترین جامع برای «امنیت‌سازی پایدار» در منطقه است. ایشان در یک صورت‌بندی گفتمانی هوشمندانه، سه مؤلفه «حافظه تاریخی مقاومت ملت»، «قدرت بازدارنده و عملیاتی نیروهای مسلح» و «تدبیر و عمل‌گرایی دولت» را به‌عنوان اضلاع یک مثلث طلایی، ضامن صیانت از مرزهای آبی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنند. این نوشتار می‌کوشد تا با واکاوی این اضلاع سه‌گانه در متن پیام، چگونگی خلق یک «نظم جدید دریایی» توسط ایران قوی را تحلیل کند. این پیام، در واقع نقشه راه گذار از «امنیت منفعلِ وابسته به بیگانه» به «امنیت فعال و ثروت‌آفرینِ مبتنی بر ظرفیت‌های درون‌زا» را ترسیم می‌نماید؛ گذاری که پیش‌شرط آن، وحدت میدان و دیپلماسی در سایه یک گفتمان مقاومت است.

۱. تداوم تاریخی مقاومت؛ از نفی استعمار تا استقلال تنگه هرمز

نخستین ضلع، ریشه در عمق تاریخ این سرزمین دارد. پیام رهبری، مقاومت ملت ایران را «پیشینه و سابقه‌ای تثبیت‌شده» معرفی می‌کند؛ از «اخراج پرتغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز» که خود مبنای نام‌گذاری این روز ملی شده، تا «مبارزه علیه استعمار هلند و انگلستان». این برجسته‌سازی تاریخی، نگاه روایت ساز غرب مبنی بر تحمیلی بودن حضور ایران در آب‌های خلیج‌فارس را به چالش می‌کشد. گویی ملت ایران، قرن‌ها پیش از شکل‌گیری حقوق بین‌الملل مدرن دریاها، با درک موقعیت بی‌بدیل ژئواستراتژیک خود، هزینه حاکمیت و امنیت این آبراه را با جان‌فشانی پرداخته است. این «پیش ذهنیت تاریخی» ثابت می‌کند که خلیج‌فارس نه صرفاً یک گستره آبی که یک متن تمدنی با حریم غیرقابل‌واگذاری است؛ حریمی که در رگ‌های ملت ایران تبلوریافته و بیگانگان را همواره در «قعر آب‌هایش» نشانده است. نکته کانونی در روایت تاریخی رهبر انقلاب، تقدم منطق «بیرون‌رانی استعمارگر» بر منطق «همزیستی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای» است. این تقدم، یک اصل ثابت در سیاست دفاعی ایران را آشکار می‌سازد: امنیت خلیج‌فارس تنها در سایه غیاب کامل بیگانگان و واگذاری مسئولیت آن به ملت‌های منطقه محقق می‌شود. به بیان دیگر، تاریخ این آبراه، تاریخ مقاومت در برابر طمع شیاطین و گواهی بر شکست استراتژی «امنیت وارداتی» است. این حافظه تاریخی، ستون فقرات هویتی هرگونه کنش کنونی و آتی در منطقه است و ثابت می‌کند که ایران، همواره سربلند از این آزمون بیرون آمده است.

۲. جلوه‌گری ناوگان دریایی؛ مشروعیت‌سازی نوین، نمایش صلابت و معماری امنیت جمعی دومین ضلع، واقعیت عینی میدان و کارویژه نیروهای مسلح است. پیام رهبر انقلاب، مشخصاً به «شصت روز گذشته» و «جلوه‌های زیبای صلابت، هوشیاری و مجاهدت دلاورمردان نیروهای دریایی ارتش و سپاه در کنار غیرت و سلحشوری مردم جنوب» اشاره دارد. این فراز، کلیدی‌ترین بخش پیام برای درک گذار از «دفاع» به «امنیت‌سازی تهاجمی» است. عملکرد خیره‌کننده نیروهای دریایی در جریان «بزرگ‌ترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان» و شکست مفتضحانه آمریکا، دو دستاورد استراتژیک داشت:

نخست، اثبات عملی ناتوانی آمریکا در تأمین امنیت حتی برای «آمریکاپرستان» منطقه، و دوم، «عینیت‌بخشی» به قدرت ایران در ذهن ملت‌های ساکت و حاکمان ذلت‌پذیر منطقه.

این حضور مقتدرانه، پشتوانه مشروعیت‌ساز برای «اعمال مدیریت جدید بر تنگه هرمز» است. رهبر معظم انقلاب، «شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز» را وظیفه ایران اسلامی می‌دانند؛ امری که با اتکا به توان رزمی نیروهای مسلح، از یک «حق حاکمیتی بالقوه» به یک «واقعیت

میدانی بالفعل» تبدیل شده است. اما وجه بارز این رزمایش بازدارنده، صرفاً اثبات قدرت نظامی نیست، بلکه دعوت عملی از ملت‌های منطقه برای مشارکت در یک «طرح امنیتی بومی» است. نمایش اقتدار دریایی ایران، یک پیام دوگانه ارسال کرد: به بیگانگان فهماند که دوران چپاول و لشکرکشی به پایان رسیده و «آشیانه‌های پوشالی» آنها تاب هیچ طوفانی را ندارد؛ و به همسایگان فهماند که پناهگاه مطمئن برای امنیت پایدار، نه ناوگان پنجم آمریکا که برادری با ملت ایران است. اینجا نیروی دریایی به یک «نهاد گفتمان‌ساز» بدل می‌شود که با زبان قدرت، معماری جدید امنیت منطقه را ترسیم می‌کند. بدین ترتیب، صلابت نظامی، مقدمه و ضامن تحقق دیپلماسی همسایگی و اخراج نهایی بیگانگان از پهنای نیلگون خلیج‌فارس می‌شود.

۳. عمل‌گرایی دولت؛ ترسیم افق پیشرفت در سایه امنیت پایدار و طلایه‌داری نظم نوین

ضلع سوم، اما از جنس تدبیر و آینده‌پژوهی است. پیام رهبری، هدف نهایی از اعمال این مدیریت مقتدرانه را «ایمن‌سازی خلیج‌فارس» و «برچیدن بساط سوءاستفاده دشمن متخاصم» عنوان می‌کند. آنچه در این میان به دولت و ساختار اجرایی کشور گره می‌خورد، «تدابیر و سیاست‌های مقاومت» و «راهبرد ایران قوی» است که باید این پیروزی‌های میدانی را به «آسایش، پیشرفت و رفاه ملت‌ها» تبدیل کند. در بطن پیام، یک نظم جدید اقتصادی-امنیتی ترسیم شده است: «قواعد حقوقی و اعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه ملت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهب اقتصادی آن، دل ملت را شاد خواهد کرد.» این فراز، دولت را مخاطب اصلی «مهندسی فرصت» از دل «پیروزی» می‌سازد. این بدان معناست که دستگاه اجرایی کشور باید با چابکی، «قواعد حقوقی» نوینی را برای مدیریت تنگه هرمز تدوین و به اجماع منطقه‌ای نزدیک کند. این قواعد، قرار نیست یک‌جانبه و تحمیلی باشد، بلکه دعوت به مشارکت در خوان نعمتی است که امنیت آن را نه قدرت‌های فرامنطقه‌ای که ایران، به‌عنوان برادر بزرگ‌تر، تضمین می‌کند. در اینجاست که «عمل‌گرایی دولت» در توسعه سواحل مکران، فعال‌سازی کریدورهای شمال-جنوب، و جذب سرمایه‌گذاری مشترک با همسایگان، به ابزار تحقق «تولید و تجارت دریامحور» بدل می‌شود. اینجا نقش عمل‌گرایی دولت پررنگ می‌شود؛ دولتی که باید با بهره‌گیری از «فناوری‌های پایه‌ای و نوین» و «ظرفیت‌های عظیم علمی و صنعتی» (که در پیام به‌عنوان سرمایه ملی یاد شده)، این پیروزی امنیتی-نظامی را به ثروت و توسعه ملی گره بزند. «هم‌سرنوشتی» با همسایگان، نقطه عزیمت این راهبرد است؛ طرحی برای ایجاد یک بلوک تمدنی و اقتصادی بومی که بیگانگان را از دایره منافع منطقه برای همیشه حذف می‌کند. در حقیقت، پیام رهبری، یک مأموریت ملی و فراجناحی به دولت می‌دهد: تبدیل قدرت سخت (موشک ها و ناوگان دریایی) به قدرت نرم (دیپلماسی اقتصادی و رفاه عمومی). این اقدام، چرخه کامل امنیت را از «دفاع» به «پیشرفت» تکمیل کرده و نشان می‌دهد که ایران قوی، نه یک شعار که یک برنامه عملیاتی با خروجی‌های ملموس برای مردم ایران و منطقه است.

در نتیجه پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی، سندی متقن برای عبور از نظم کهن و اعلام طلایه‌داری ایران در «نظم جدید منطقه و جهان» است. این نظم جدید ریشه در مقاومت تاریخی، ساقه در صلابت نیروهای مسلح و میوه در عمل‌گرایی یک دولت قوی و انقلابی دارد. این سه‌گانه، یک منظومه منسجم می‌سازد: تاریخ برای ما مشروعیت می‌آفریند، شمشیر از این مشروعیت پاسداری می‌کند و تدبیر دولتی، ثمره این پاسداری را به کام ملت و همسایگان می‌ریزد. شکست مفتضحانه ائتلاف متجاوز به سرکردگی آمریکا در شصت روز گذشته، نشانه‌ای از تغییر در موازنه تمدنی به نفع جبهه مقاومت و به ضرر سلطه‌گران است. «ایران قوی» امروز، نماد یک بلوغ استراتژیک است؛ قدرتی که نه برای فتح سرزمین‌ها که برای «ایمن‌سازی» و «پیشرفت» به‌پاخاسته است. ایران اسلامی امروز نه‌فقط به دنبال حفظ وضع موجود که معمار آینده‌ای درخشان در خلیج‌فارس است؛ آینده‌ای که به فرموده رهبری، «بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش» رقم خواهد خورد. این‌گونه، خلیج همیشه فارس، نه‌فقط یک نام جغرافیایی که سند افتخار یک ملت، حماسه ماندگار یک ناوگان و نویدبخش یک تمدن دریایی متکی به خودباوری و قدرت درون‌زاست و این همان طلیعه نظم جدیدی است که جهان در تب‌وتاب دیدن آن است؛ نظمی که در آن «همسایگی» جای «سلطه» و «هم‌سرنوشتی» جای «آمریکاپرستی» را می‌گیرد.

تحلیل ژئواستراتژیک امنیت در تنگه هرمز؛ تبیین حقوق حاکمیتی و بازدارندگی بومی

ملیحه خواجوی

پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های ژئواستراتژیک جهان است که امنیت آن، به دلیل نقش تعیین‌کننده‌اش در انتقال انرژی و تجارت جهانی، همواره در کانون توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشته است. این تنگه نه‌تنها یک مسیر حیاتی برای عبور نفت و گاز، بلکه عرصه‌ای برای تقابل میان حاکمیت دولت‌های ساحلی و مداخلات امنیتی قدرت‌های خارجی است. مسئله اصلی آن است که آیا امنیت این آبراه باید از طریق حضور و مداخله بازیگران غیرساحلی تأمین شود یا از مسیر تقویت توان بومی و اعمال حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی؟ موقعیت ممتاز تنگه هرمز سبب شده است که این منطقه به نقطه تلاقی امنیت انرژی جهانی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شود. با این حال، تجربه تاریخی نشان داده است که حضور گسترده نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس نه‌تنها به کاهش تنش‌ها منجر نشده، بلکه اغلب «معمای امنیت» را تشدید کرده است؛ بدین معنا که هر اقدام بازیگری خارجی برای افزایش امنیت، از سوی دولت‌های منطقه به‌مثابه تهدیدی جدید درک شده و خود به افزایش رقابت نظامی و بی‌ثباتی انجامیده است. از این رو، بخش مهمی از ناامنی موجود در این منطقه را باید ناشی از «ناامنی ساختاری» دانست؛ وضعیتی که در آن، مداخلات بیرونی با هدف ظاهری حفظ ثبات، عملاً زمینه بازتولید بحران را فراهم می‌کند.

تنگه هرمز از نگاه حقوق بین‌الملل

از منظر حقوق بین‌الملل دریاها، تنگه هرمز مشمول رژیم حقوقی عبور ترانزیتی است. بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و نیز منابع معتبر این حوزه مانند آثار چرچیل و لوو یا راثول و استیفنز، این رژیم به کشتی‌ها و هواپیماها اجازه می‌دهد که از تنگه‌های مورد استفاده برای کشتیرانی بین‌المللی به‌صورت مستمر و سریع عبور



کنند، اما این حق به معنای نفی حاکمیت دولت‌های ساحلی نیست. ایران و عمان، به‌عنوان دو کشور اصلی مشرف بر تنگه هرمز، همچنان از حقوق حاکمیتی در آب‌های سرزمینی خود برخوردارند و مسئولیت اصلی در تنظیم، نظارت و تضمین امنیت عبور و مرور را برعهده دارند. از همین رو، هرگونه تلاش برای بین‌المللی‌سازیِ مدیریتِ امنیتیِ تنگه یا ایجاد ترتیباتی که نقش دولت‌های ساحلی را به حاشیه برانند، با روح حقوق دریاها و اصل حاکمیت ملی در تعارض قرار می‌گیرد. در این چارچوب، ایران در تنگه هرمز صرفاً یک بازیگر مشارکت‌کننده نیست، بلکه یکی از اضلاع اصلی حاکمیت و مسئولیت در این گذرگاه راهبردی به‌شمار می‌رود. بر پایه همین فهم حقوقی، دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال تنگه هرمز بر اصل «بازدارندگی بومی» و «دفاع فعال» استوار شده است. مقصود از بازدارندگی بومی آن است که امنیت منطقه نباید محصول ائتلاف‌های تحمیلی و حضور نیروهای خارجی باشد، بلکه باید از دل ظرفیت‌های دفاعی، دریایی و راهبردی کشورهای ساحلی شکل بگیرد. حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در بسیاری موارد نه عامل ثبات، بلکه منشأ بی‌اعتمادی و رقابت تسلیحاتی بوده است. در مقابل، امنیت مبتنی بر حاکمیت بر این فرض بنا می‌شود که دولت‌های ساحلی، با اتکا به توان دفاعی خود، می‌توانند هم عبور امن کشتی‌ها را تضمین کنند و هم هرگونه اقدام تهدیدآمیز یا غیرقانونی را با هزینه بالا مواجه سازند. بر این اساس، امنیت پایدار در تنگه هرمز زمانی تحقق می‌یابد که ترتیبات امنیتی آن از منطق وابستگی به قدرت‌های بیگانه فاصله گرفته و بر همکاری کشورهای اصلی ساحلی، به‌ویژه ایران و عمان، استوار شود.

بُعد هویتی و تاریخیِ تنگه هرمز و خلیج فارس

در کنار ابعاد حقوقی و نظامی، تنگه هرمز و خلیج فارس دارای اهمیت هویتی و تاریخی نیز هستند. این پهنه آبی در حافظه تاریخی ایران صرفاً یک مسیر تجاری یا جغرافیای طبیعی نیست، بلکه بخشی از تجربه تاریخی صیانت از استقلال و تمامیت ارضی کشور به‌شمار می‌رود. از همین منظر، مفهوم «حافظه مقاومت» در فهم جایگاه تنگه هرمز اهمیت پیدا می‌کند. بیرون راندن پرتغالی‌ها از هرمز در سال ۱۶۲۲ میلادی، یکی از نخستین نمونه‌های برجسته مقابله ایران با سلطه یک قدرت فرامنطقه‌ای بر یک نقطه راهبردی بود. در دوره معاصر نیز خلیج فارس و تنگه هرمز در جریان جنگ تحمیلی و به‌ویژه در دوره جنگ نفتکش‌ها، بار دیگر به صحنه دفاع از حاکمیت ملی تبدیل شدند. در دهه‌های اخیر نیز اعمال کنترل حقوقی و راهبردی بر عبور ناوهای نظامی خارجی، در چارچوب قوانین و ملاحظات امنیتی، به‌عنوان نمادی از اقتدار حاکمیتی ایران در این منطقه تلقی شده است. از این منظر، خلیج فارس در گفتمان هویت ملی ایران به یک «دال مرکزی» تبدیل شده است؛ یعنی مفهومی که بخشی از خودآگاهی تاریخی و سیاسی ملت ایران را نمایندگی می‌کند. به همین دلیل، هرگونه تلاش برای تحریف هویت تاریخی این پهنه یا کاهش نقش حاکمیتی ایران در آن، صرفاً یک اختلاف سیاسی یا حقوقی تلقی نمی‌شود، بلکه در سطحی عمیق‌تر به‌عنوان یک «تهدید وجودی» نسبت به هویت و حاکمیت ملی فهم می‌شود. درنتیجه، دفاع از تنگه هرمز تنها با اتکا به ابزارهای سخت نظامی صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند بهره‌گیری از سرمایه نمادین، تاریخی و هویتی نیز هست؛ سرمایه‌ای که می‌تواند مشروعیت مواضع ایران را در عرصه بین‌المللی تقویت کند.

نتیجه

امنیت در تنگه هرمز را نمی‌توان صرفاً با منطق موازنه نظامی یا با الگوهای وارداتی امنیتی توضیح داد. این امنیت، حاصل پیوند سه مؤلفه اساسی است: حقوق حاکمیتی، بازدارندگی بومی و هویت تاریخی. هر راهبردی که بخواهد این منطقه را بدون توجه به نقش دولت‌های ساحلی و بدون احترام به حاکمیت ملی مدیریت کند، در عمل به تعمیق بی‌ثباتی خواهد انجامید. برعکس، ثبات پایدار، زمانی حاصل می‌شود که نظم امنیتی منطقه بر پایه اقتدار کشورهای ساحلی و همکاری بومی شکل گیرد. از این منظر، آینده امنیت تنگه هرمز نه در گرو نسخه‌های تحمیلیِ قدرت‌های خارجی، بلکه در گرو تقویتِ توانِ دفاعی و تثبیتِ جایگاهِ حقوقی و حاکمیتیِ ایران و عمان است.

مدیریت جدید تنگه هرمز؛ طلیعه نظم نوین جهانی با محوریت ایران اسلامی در چله دوم انقلاب

مهدی سورمه

پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تجزیه آن به پانزده کشورِ جدید و پایان جنگ سرد، آمریکا در پی دستیابی به رهبری جهان و استقرار نظامِ تک‌قطبی و حاکمیت مطلقِ گفتمانِ مبتنی بر لیبرال دموکراسی، فرصت را مغتنم شمرد. با بهره‌گیری از تجاوز عراق به کویت، سیاست جدیدی را در منطقه پس از جنگ جهانی اول و توافق سایکس-پیکو، که در دوره بوشِ پدر طراحی شده بود، تحت عنوان «نظم نوین جهانی» در منطقه غرب آسیا برآمد تا منافع استکباری و استثماریِ رژیم آمریکا و تثبیت وجود غده سرطانی و منحوسِ رژیمِ غاصب و آشغالگرِ قدس را در منطقه تضمین کند.

دلایل آشکارِ حملات آمریکا به کشورهای مختلف

در راستای تکمیل پازل نقشه‌های عملیاتی خود، آمریکا در گام‌های بعدِ خود، به بهانه وجود سلاح کشتار جمعی، در سال ۲۰۰۳ به عراق، تجاوز و در سال ۲۰۰۶، در جنگِ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی، به لبنان حمله کرد. در آن مقطع زمانی، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه اسبق آمریکا در واکنش به حمله رژیم اسرائیل به لبنان گفت: «این زاییدن خاورمیانه بزرگ است و وضعیت آنجا نیز درد این زایمان است». اما خوشبختانه آمریکا و رژیم وحشی و کودک‌کشِ اسرائیل، با استقامت و ایستادگیِ جریانات مقاومت اسلامی در عراق و لبنان و حمایت‌های بی‌دریغ جمهوری اسلامی ایران، به اهداف شوم استکباری و پلید خود نرسیده و با شکستِ خفت‌باری مواجه شدند. با روی کار آمدنِ دونالد ترامپ، این رویکرد با تلفیق ایده «جنگ صلیبی»، «جنگ تمدنی»، «جنگ موجودیتی» بر علیه جهان اسلام و مردمِ منطقه، شدت بیشتری یافت؛ امری که بارها از سوی مسئولینِ رژیم تروریستیِ آمریکا، مورد اذعان و اعتراف قرار گرفت.

ابرقدرتی به نام جمهوری اسلامی

برای حصول به ایده نظم نوین جهانی و جنگ تمدنی و حذف مرکز ثقل گفتمان انقلابی و قلب تپنده اسلام ناب محمدی (ص) از سوی مراکز و محافل غربی-صهیونیستی، تنها مانع تحقق اهداف شوم هئیت حاکمه آمریکا و باند خون‌ریزِ صهیونیستی، «درخت تناور» جمهوری اسلامی می‌دیدند. قدّاره‌کشی‌های اخیرِ شیطان بزرگ و نیروی نیابتی آن در دو جنگ اخیر، «جنگ ۱۲ روزه» و «جنگ رمضان» حمله کردند، ولی به لطف بصیرت، غیرت و سلحشوری مردم در حضور حماسی خیابان و مجاهدت‌های نیروهای مسلحِ پرتوان در میدان نبرد، به اهداف خود نرسیده و با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شدند.

بیانات مقام معظّم رهبری راجع به تنگه هرمز

مقام معظّم رهبری، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدّظلّه‌العالی) در سه پیام جداگانه بر لزوم استفاده از اهرم انسداد، لزوم کنترل هوشمند تنگه هرمز و مدیریت جدید تنگه هرمز تأکید فرمودند:

۱- گزیده‌ای از اولین پیام رهبر معظّم انقلاب (مدّظلّه‌العالی) به مردم ایران: «قطعاً همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه هرمز باید استفاده شود». ۲۷/۱۲/ ۱۴۰۴

۲- گزیده‌ای از پیام رهبر معظّم انقلاب (مدّظلّه‌العالی) درباره جنگ تحمیلی سوم: «حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود. به‌هیچ‌وجه از حقوق حقّه خود دست نمی‌کشیم». ۱۴۰۵/۱/۲۰

۳- گزیده‌ای از بیانات مقام معظّم رهبری (دامت برکاته) به مناسبت روز ملی خلیج فارس: «قواعد حقوقی و اِعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه

ملّت‌های منطقه رقم خواهد زد».
۱۴۰۵/۲/۱۰

مجاهدانِ عرصه مبارزه با نقشه‌های استعمارگران

خلیج فارس و تنگه هرمز، به خاطر اهمیت راهبردی در قلب جغرافیای سیاسی اقتصادی و امنیتی جهان، در طول تاریخ همواره مورد طمع و سوء استفاده کشورهای استعمارگرِ پرتقالی، هلندی، انگلیسی و آمریکایی بوده است. دلیل و تجربه تاریخ گذشته و معاصر خورشیدگونه ملت بزرگ ایران نشان داده است که هر متجاوز مستکبری که چشم طمع به این آب و خاک را داشته، به سرنوشتی دردناک و تاریک دچار شده است. همانگونه که پرتقالی‌ها توسط سردار دلاور ایرانی عهد صفویه «امامقلی خان» اخراج شدند. در این مسیر، سرداران و اسطوره‌های بزرگ و صاحب نامی همچون «میرمهنا دوغابی» و شهید «رئیسعلی دلواری»، «شهید نادر مهدوی و دریابان شهید سردار علیرضا تنگسیری»، همچون سدی استوار جلوی بیگانگانِ آشغالگرِ طمّاع، مقابله و منافع ملی و خواست ملت را بر استعمارگران تحمیل نمودند.

نتیجه

امروز نیز بار دیگر با زعامت و رهبری و پیروی از فرامین و تدابیر حکیمانه مقام معظّم رهبری، حضور مردم برانگیخته که با مقاومت و ایستادگی به مانند کوه‌های استوار در مسیر حق و همراه با جانفشانی‌های نیروهای مسلح، قطعاً مدیریت و قواعد حقوقی جدید بر آبراه خلیج فارس و تنگه هرمز و ایجاد نظم بدون آمریکا در منطقه غرب آسیا و جهان به نفع مستضعفان عالم و همه ملّت‌های منطقه در سایه «ایران قوی» تثبیت خواهد شد. در این هنگام بی‌شک به افول و فروپاشی تمدن چپاول‌گر و منحط غرب که نوکِ کوهِ یخِ آن در جزیره بدنامِ «اپستین» نمایان شده، همچون کشتی تایتانیک در آب‌های نیلگونِ تا ابد فارس، غرق خواهد شد. این سرنوشت محکوم فرعونیان، نمردیان و مستبدین عالم که با غرور و نخوت به جوامع تحت ظلم نگاه می‌کنند، می‌باشد. مدیریت جدید تنگه هرمز نقطه عطفی، در شکست هیمنه پوشالی قدرت‌های مادی و دنیایی، به مثابه سلاحی راهبردی است که می‌تواند ایران را وارد باشگاه کشورهای ابرقدرت جهان نماید. همچنین موجب ارتقای اقتدار و عزّت ملی، ضامن امنیت پایدار و استفاده از «موهبت خلیج فارس» خواهد شد. این امر مهم در گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی کاتالیزور(کنش‌یار)، سبب تحقق تمدن نوین اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی می‌شود و در نهایت، موجب زمینه‌سازی برای طلوع ولایت عظمی (ارواحنافداه) خواهد بود.



خلیج فارس: نماد غیرت، تاریخ و اقتدار

مرضیه صادقیان

پژوهشگر دوره هفتم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

دهم اردیبهشت، تنها یک تاریخ در تقویم نیست؛ این روز، نمادی از بیداری، مقاومت و بازگشت کرامت ایران به آب‌های جنوب است. روزی که در سال ۱۳۶۴ با تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت، به‌عنوان «روز ملی خلیج فارس» ثبت شد تا نام تاریخی و مشروع این پهنه آبی را بر زبان‌ها زنده نگه دارد.

۱. ریشه در تاریخ: پیروزی شاه عباس بر استعمار

داستان این روز، به ۱۰ اردیبهشت ۱۰۰۰ هجری قمری (مصادف با ۲۱ آوریل ۱۶۲۲ میلادی) بازمی‌گردد. روزی که پس از ۱۱۷ سال تسلط جابرانه و اشغالگری پرتغالی‌ها بر سواحل جنوبی ایران، سپاه ایران به فرماندهی امیرالامرای فارس، امامقلی‌خان، با رشادت‌هایی بی‌نظیر، جزیره استراتژیک هرمز را از چنگال استعمارگران آزاد کرد. این پیروزی، حاصل سال‌ها تلاش و پیگیری شاه عباس اول صفوی بود. اگرچه شاه عباس در ابتدا سعی کرد با مذاکره مشکل را حل کند، اما وقتی دید که پرتغالی‌ها نه به گفت‌وگو گوش می‌دهند و حتی در همان مسیر مذاکره، ایرانیان را به شهادت می‌رسانند، دست به شمشیر برد. آزادسازی هرمز در این روز، پایانِ یک دوران تاریک و آغازِ فصلی نوین از اقتدار ایران در خلیج فارس بود. به یاد همین پیروزی تاریخی و نقش شاه عباس، نام بندر مهم جنوبی نیز به «بندرعباس» تغییر یافت.

۲. خلیج فارس؛ گنجینه جغرافیایی و تاریخی جهان

خلیج فارس، پس از خلیج مکزیک و خلیج هودسن، سومین خلیج بزرگ جهان است. این آبراهِ استراتژیک با وسعتی حدود ۲۴۰,۰۰۰ کیلومتر مربع، از سمت شمال به ایران، از غرب به کویت و عراق، و از جنوب به عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده عربی محدود می‌شود. اهمیت این خلیج تنها در ابعاد جغرافیایی نیست؛ بلکه در قدمت تاریخی آن نهفته است. قدیمی‌ترین اسناد درباره خلیج فارس به کتاب‌های یونان باستان بازمی‌گردد و مردم جهان در طول تاریخ، این پهنه آبی را با نام‌های «خلیج فارس» یا «دریای پارس» می‌شناختند. این نام، ریشه در هویت تمدنی ایران دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از این سرزمین جدا کند. این آبراهِ حیاتی از طریق تنگه هرمز به دریای عمان و سپس به اقیانوس‌های آزاد متصل می‌شود. جزایر ارزشمندی مانند خارک، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، کیش، قشم و لاوان که همگی متعلق به ایران هستند، نگهبانانِ طبیعی و استراتژیک این خلیج هستند.

۳. از اشغال تا اقتدار: روایتی از رنج و پیروزی

تاریخِ حضورِ خارجی‌ها در خلیج فارس، تاریخی پر از فریب و اشغال است. پس از پرتغالی‌ها، انگلیس با وعده‌های دوگانه وارد شد. او ابتدا به شاه عباس کمک کرد تا پرتغالی‌ها را بیرون کند، اما سپس با تأسیس مراکز تجاری و نفوذ سیاسی، کم‌کم بر جزایر و سواحل جنوبی مسلط شد. در دوران قاجار، سیاستمدارانِ ضعیف با بهانه‌ی «دوستی» با انگلیس، امتیازات بزرگی دادند. در دوران پهلوی نیز با وجود اختلافاتی سر جزایر، سلطه انگلیس همچنان ادامه داشت تا اینکه انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ضربه نهایی را به استعمار زد. امروز، خلیج فارس دیگر محلِ تقاضا و مذاکره نیست. با فرمان رهبری مبنی بر ساخت ناوهای جنگی (جماران، دماوند، سهند) و خودکفایی در ساخت زیردریایی‌ها (مانند طارق)، ایران نشان داده است که: خلیج فارس، خانه‌ی

ماست. اگر کسی بخواهد پایش قطع شود، پای دشمن است، نه ایران. ما نه‌تنها حافظ امنیت این آب‌ها هستیم، بلکه توانایی دفاع از آنها را در بالاترین سطح تکنولوژیک داریم.

سخن‌پایانی

روز ملی خلیج فارس، روز یادآوری این حقیقت است که آب‌های جنوب، آبیِ غیرتِ ایرانیان است. این روز، یادآور خون‌هایی است که در کرانه‌های خلیج فارس ریخته شده تا یک وجب از خاک و یک قطره از آب این سرزمین، جدا نشود. خلیج فارس، نمادِ رنج‌ها، زخم‌ها و در نهایت، پیروزیِ ملت ایران است.



تأملی در پیام‌های فرمانده کل قوا درخصوص خلیج فارس و تنگه هرمز

خلیج فارس، میراث مقاومت و طلیعه نظم جدید

شهاب الدین عالمی

پژوهشگر دوره چهارم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

خلیج فارس، این نیلگون آینه‌گون و ساحل آن آرامگاه بیدریغ جان‌های پاکی است که نخواستند بیگانه در حریمشان لنگر بیندازد. این آب، نامش را از پارس گرفته و پارس نیز از صلابت مردمانش. هر موجش فریاد « لا الـهَ الا الله» است و هر نفسش یادآور روزهایی که پرتغالی و هلندی و انگلیسی در سیاهی شب، طمع به ستاره‌های این آسمان بستند، اما سحرگاه، نیزه‌های ایمان آنان را در ژرفنا فرورفت.

اکنون در این بازه خطیر تاریخی، رهبری جدید انقلاب اسلامی با همان آوای آشنای امام شهیدمان اما در سپیده‌داری دیگر، خلیج فارس را نه یک عارضه جغرافیایی که دال مرکزی روایتی راهبردی می‌سازد: روایتی که در آن «میراث مقاومت» و «طلیعه نظم جدید» دو روی یک سکه‌اند.

لایه اول: میراث خلیج فارس به مثابه «حافظه زنده مقاومت»

از منظر حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای (حفظ الله)، خلیج فارس پیش از هر چیز یک حافظه جمعی عملیاتی است. این حافظه نه در کتاب‌ها که در جان‌فشانی‌های مکرر ملت ایران ثبت شده است و این سخن را به یک زنجیره تاریخی متصل می‌کنند: از «اخراج پرتغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز»، تا «مبارزه علیه استعمار هلند» و «حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس». اما نقطه عطف این روایت، «انقلاب اسلامی» است که «کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه خلیج فارس» را رقم زد.

آنچه این روایت را از یک مرور تاریخی صرف بیرون می‌کشد، پیوند آن با رویدادهای معاصر در سایر پیام‌هاست. ایشان در اولین پیام خود، این جنگ را نه یک رویداد مجزا، که حلقه دیگری از همان زنجیره تجاوزات بیگانه به خلیج فارس معرفی می‌کند. «تازه‌ترین نمونه قدّاره‌کشی شیطان بزرگ» در پیام روز خلیج فارس، همان «تهاجم ناجوانمردانه دشمن صهیونی با کمک آمریکا» در پیام نوروزی است. این اتصال، خلیج فارس را از یک منطقه جغرافیایی به عرصه جنگ تمام‌عیار هویتی بدل می‌کند که نقطه شروع آن قرن‌ها پیش بوده و اکنون به مرحله «شهادت رهبر» رسیده است.



در این لایه، «میراث مقاومت» فقط یک یادبود نیست، بلکه الگوی کنشگری نیز هست. در پیام روز ارتش، ارتش پس از انقلاب را «پایان دوران ضعف تحمیلی دشمن» می‌خوانند و در پیام نوروزی از «خط مقدم ایران» سخن می‌گوید که «خیلی بزرگتر از ذهنیت حقیر دشمن» است. بنابراین، میراث خلیج فارس، میراث ترکیب مردم و نیروهای مسلح است؛ ترکیبی که در «شصت روز پس از شهادت رهبر پیشین» توانست «بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا» را به «شکست مفتضحانه» تبدیل کند.

لایه دوم: تصویر امروز، ناامنی به مثابه محصول «حضور بیگانه»

رهبری معظم انقلاب یک

مدعای صریح و مستند مطرح می‌کند: منشأ ناامنی در خلیج فارس، نه ضعف کشورهای منطقه، که حضور بیگانگان است. این «ثابت شدن» دارای دو پشتوانه است: یکی تجربه تاریخی «تجاوزهای مکرر بیگانگان اروپایی و آمریکایی» که در همان پیام بدان اشاره شده، و دیگری شکست عینی آمریکا در «بزرگترین لشکرکشی اخیر».

در این مدعا، یک تحول گفتمانی مهم نهفته است: دیگر «تهدید خارجی» و «دفاع ملی» در برابر آن کافی نیست؛ بلکه باید هزینه حضور بیگانه را چنان افزایش داد که خود بیگانه به این نتیجه برسد که ماندنش ناممکن است.

ایشان همچنین، دو مرز را از هم جدا می‌کند: مرز «حضور بیگانه» که محکوم به ناامنی است و مرز «همکاری منطقه‌ای» که مطلوب و شدنی است. در پیام نوروزی نیز، از «وحدت عجیب» در داخل و آمادگی برای «اتحاد» با همسایگان سخن می‌گویند. لذا گزاره «بیگانگان عامل ناامنی» صرفاً یک اتهام نیست، بلکه مبنای یک سیاست فعال است: هرجا بیگانه هست، امنیت نیست؛ هرجا بیگانه رفت، امکان همکاری منطقه‌ای فراهم می‌شود.

لایه سوم: آینده و مدیریت جدید تنگه هرمز درپی طلیعه نظم نوین

اکنون به گرهگاه اصلی می‌رسیم: اگر میراث مقاومت تاریخی است و ناامنی محصول حضور بیگانه، آینده چه شکلی خواهد داشت؟ پاسخ حضرت آیت الله خامنه ای روشن است: «آینده درخشان منطقه خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش خواهد بود.» اما این آینده، خودبه خود محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند ابزار و روش است. ایشان آن ابزار را «مدیریت جدید تنگه هرمز» می‌نامد. این «مدیریت جدید» دارای دو مؤلفه است که در سایر پیام‌ها نیز تکرار شده است: مؤلفه حقوقی (قواعد حقوقی به نفع همه ملت‌ها) و مؤلفه عملیاتی-بازدارنده. این دو مؤلفه در کنار هم، تصویری از یک بازدارندگی فعال ارائه می‌دهند که در عین پایبندی به حقوق بین‌الملل، از هیچ اهرم فشار مشروعی برای تغییر موازنه به نفع خود فروگذار نمی‌کند.

مدیریت تنگه هرمز از نگاه رهبری انقلاب اسلامی، نه یک اقدام تاکتیکی، که نشانه‌ای از یک جابه‌جایی راهبردی در نظام بین‌الملل است. وقتی ایران بتواند بر مهم‌ترین آبراه انرژی جهان «مدیریت جدید» اعمال کند، دیگر نه یک کنشگر منطقه‌ای، که یکی از معماران نظم جهانی محسوب می شود.

از میراث تا طلیعه، یک روایت منسجم

آنچه پیام‌های رهبر انقلاب را در اسفند و فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵ به هم متصل می‌کند، یک روایت سه‌پاره است که خلیج فارس را از یک مسئله محلی به نماد تغییر موازنه جهانی ارتقا می‌دهد.

مدیریت جدید
ترکیبی از حقوق و قدرت برای ساختن آینده‌ای بدون آمریکا

تشخیص دقیق تهدید
ناامنی حضور بیگانه، فارغ از حسن نیت یا سوءنیت آن

میراث مقاومت
(حافظه تاریخی جانفشانی ما از پرتغال تا امروز)

در این نگاه، خلیج فارس سکوی پرتاب نظم جدید است. ملت ایران با «بیشترین جانفشانی» در این پهنه آبی، ثابت کرده که «هم‌سرنوشت» با همسایگان خود است، اما «بیگانگان» را تنها در قعر آب‌هایش جای می‌دهد: باذن الله وَلَو کَرِهَ الکافرون.

اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران در ادوار تاریخی مختلف

محمود عرب اسماعیلی

پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

خلیج فارس و تنگه هرمز، به‌عنوان شاهراه‌های حیاتی آبی جهان، همواره نقشی بی‌بدیل در تاریخ، اقتصاد، امنیت و هویت ایران ایفا کرده‌اند. اهمیت این آبراه فراتر از ملاحظات صرفاً اقتصادی و تجاری است؛ این منطقه، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت تاریخی و فرهنگی ایران بوده و تاریخ پرفراز و نشیب آن، سرشار از رشادت‌ها، مقاومت‌ها و تلاش‌های ایرانیان برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود در برابر بیگانگان است. درک عمیق جایگاه این آبراه، مستلزم نگاهی به ابعاد تاریخی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن در طول اعصار مختلف است. پیام اخیر حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی)، رهبر معظّم انقلاب اسلامی، بار دیگر بر اهمیت حیاتی این منطقه برای ایران و جهان تأکید کرده است.

ابعاد هویتی، تاریخی و امنیتیِ خلیج فارس و تنگه هرمز

ایشان در پیام خود به مناسبت روز ملی خلیج فارس، بر ابعاد چندوجهی اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز تأکید فرمودند. از منظر هویتی، این منطقه بخشی از میراث کهن و هویت ملی ایرانیان است که در طول قرن‌ها، شاهد تمدن‌سازی، دریانوردی و تعاملات فرهنگی بوده است. از بعد تاریخی، این منطقه همواره صحنه رقابت‌ها و گاه درگیری‌های قدرت‌های بزرگ بوده و ملت ایران همواره در صیانت از حاکمیت خود بر این آبراه، نقشی کلیدی ایفا کرده است. اما شاید مهم‌ترین بعد، بعد امنیتی باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، با تأکید بر اینکه «امنیت منطقه را باید کشورهای منطقه تأمین کنند» و «حضور بیگانگان جز ناامنی ثمری ندارد»، بر این نکته تأکید دارند که ایران، به‌عنوان قدرتمندترین بازیگر منطقه، قادر به تأمین امنیت این آبراه حیاتی است.

حضور قدرت‌های خارجی در خلیج فارس و مقابله با آنها (قبل از انقلاب اسلامی)

تاریخ پرفراز و نشیب خلیج فارس، مملو از تلاش قدرت‌های خارجی برای سلطه بر این منطقه و بهره‌برداری از منابع و موقعیت استراتژیک آن است. پرتغالی‌ها که از اوایل قرن ۱۶ میلادی حضور خود را در خلیج فارس آغاز کرده و سواحل آن را تحت کنترل داشتند، با مقاومت شدید ایرانیان مواجه شدند. در نهایت، در سال ۱۶۲۲ میلادی(۱۰۳۱ ه.ق)، شاه عباس صفوی و سردار پرآوازه‌اش امامقلی خان، توانست پرتغالی‌ها را از جزیره هرمز بیرون رانده و کنترل کامل خلیج فارس را به دست آورد. دلیل نامگذاری دهم اردیبهشت به‌عنوان «روز ملی خلیج فارس» به همین پیروزی تاریخی برمی‌گردد. این پیروزی، نقطه عطفی در تاریخ دریانوردی و اقتدار دریایی ایران بود. پس از پرتغالی‌ها، قدرت‌های اروپایی دیگری چون هلندی‌ها و انگلیسی‌ها به تدریج جای پای خود را در منطقه محکم کردند. در قرن هجدهم تلاش‌هایی برای احیای اقتدار دریایی ایران صورت گرفت.



در این دوران، میرمهنای بندر ریگ نیز نقش مهمی در مبارزه با نیروهای خارجی، ازجمله هلندی‌ها و انگلیسی‌ها ایفا کرد و به نمادی از مقاومت در برابر استعمار تبدیل شد. او در سال ۱۷۶۶ میلادی(۱۱۷۹ ه.ق)، قلعه هلندی‌ها در جزیره خارگ را به تصرف خود در آورد و این نیروهای اشتغالگر را از این منطقه اخراج کرد. در دوران جنگ جهانی اول و اشغال جنوب ایران توسط نیروهای انگلیسی، رئیسعلی دلواری، به مقاومت دلیرانه‌ای در برابر اشغالگران پرداخت. او با سازماندهی نیروهای مردمی، ضربات سختی به انگلیسی‌ها وارد کرد و نماد مقاومت مردم جنوب در برابر بیگانگان شد.

حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس و مقابله با آنها (بعد از انقلاب اسلامی)

اما همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در پیامشان اشاره کردند: «انقلاب اسلامی، نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه خلیج فارس بود» و « فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است».

در دوران هشت سال دفاع مقدس، خلیج فارس و تنگه هرمز شاهد رویارویی مستقیم ایران با نیروهای نظامی آمریکا بود. در سال ۱۳۶۶،کشتی بریجتون که توسط ناوگان جنگی آمریکایی اسکورت می‌شد، در اثر برخورد با مین‌های کارگذاشته‌شده توسط شهید نادر مهدوی و یارانش، منفجر شد. حماسه شهید مهدوی و یارانش، به نمادی از قدرت بازدارندگی و توان دفاعی ایران در برابر قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. در سال‌های اخیر نیز سردار شهید تنگسیری، نقشی کلیدی در تأمین امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز ایفا کرد. او با اتکا به دانش بومی و فناوری‌های داخلی، توانست قابلیت‌های دفاعی ایران را در این منطقه راهبردی، تقویت کند.

آینده روشنِ خلیج فارس

پیام رهبر معظّم انقلاب، چشم‌اندازی روشن را برای آینده خلیج فارس ترسیم می‌کند: منطقه‌ای امن، باثبات و شکوفا، عاری از حضور نیروهای نظامی خارجی. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان بزرگترین قدرت منطقه و کشوری که بیشترین طول ساحل را در خلیج فارس دارد، نقشی محوری در تحقق این چشم‌انداز ایفا می‌کند. خلیج فارس و تنگه هرمز، بیش از آنکه صرفاً یک آبراه بین‌المللی باشند، بخشی از هویت، امنیت و منافع حیاتی ایران هستند. جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر توانمندی‌های بومی، اراده ملی و سابقه تاریخی خود، آماده و قادر است تا نقش محوری خود را در تأمین امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز ایفا کند و چشم‌انداز آینده‌ای روشن را برای این منطقه راهبردی، رقم بزند.



راهکارهای عملیاتی برای ایجاد فصل جدید خلیج فارس

مهدی گنجی مهنه

پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

دهم اردیبهشت ماه در تقویم رسمی ایران، روز ملی خلیج فارس نام گرفته است. این نامگذاری ریشه در واقعه‌ی تاریخی اخراج نیروهای پرتغالی از تنگه هرمز در سال ۱۶۲۲ میلادی در دوره صفویه و پایان ۱۱۷ سال اشغالگری پرتغالی‌ها در جنوب ایران و اثبات عزم تاریخی ملت ایران برای حفظ حاکمیت بر این آبراه حیاتی است. امروز نیز آمریکایی‌ها و متحدان غربی آن‌ها با استقرار پایگاه‌های نظامی متعدد در جنوب خلیج فارس (بحرین، قطر، امارات، کویت و عربستان) و حضور ناوگان پنجم دریایی خود، بزرگترین تهدید علیه امنیت و حاکمیت منطقه را شکل داده‌اند. به مناسبت انتشار پیام مقتدرانه و عزّت‌آفرین رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدّ ظله العالی) در روز ملی خلیج فارس (۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵)، محور اصلی طراحی و تبیین مدیریت جدید تنگه هرمز در چهارچوب راهکارهای حقوقی و عملیاتی است.

۱- تجربیات جهانی: درس‌هایی از مدیریت بومی تنگه‌های راهبردی

نگاهی به رویه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که مدیریت بومی تنگه‌های راهبردی، امری کاملاً مرسوم است. چهار نمونه شاخص:

- تنگه بسفر و داردانل - مدل ترکیه (معاهده مونترو ۱۹۳۶): ترکیه عبور ناوهای جنگی را کاملاً کنترل می‌کند. ناوهای بالای ۱۵ هزار تن ممنوع، ناوهای زیر ۱۵ هزار تن نیازمند اعلام ۱۵روز قبل و محدودیت زمانی ۲۱ روز.
- تنگه ماجلان - مدل آمریکای جنوبی (معاهده ۱۹۸۴ شیلی و آرژانتین): عبور ناوهای جنگی بیگانه منوط به اطلاع قبلی و رضایت کشور ساحلی.
- تنگه مالاکا - مدل جنوب شرق آسیا (اندونزی، مالزی، سنگاپور): این سه کشور تنگه مالاکا را با «سازمان مشاوره تعمیر و نگهداری تنگه» به صورت کاملاً بومی مدیریت می‌کنند.
- خلیج سدره - مدل آفریقا (لیبی از ۱۹۷۳): لیبی ورود هرگونه ناو نظامی خارجی را ممنوع اعلام کرده و این ممنوعیت تا امروز پابرجاست.

فصل مشترک این تجربیات: آنچه ایران پیشنهاد می‌کند، نه «بدعت»، بلکه «اقتباس از رویه موفق جهانی» است. تفاوت هرمز با سایر تنگه‌ها این است که کشورهای حاشیه آن تاکنون از این حق خود غافل بوده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز به این غفلت تاریخی اشاره کرده و آن را پایان یافته می‌دانند: «ملت‌های منطقه خلیج‌فارس که سال‌ها به سکوت و ذلت حاکمان خود در برابر زورگویان و متجاوزان خو گرفته بودند، در شصت روز گذشته با چشمان خود شاهد نمودهای زیبای صلابت، هوشیاری و مجاهدت مردان دلیر نیروهای دریایی ارتش و سپاه در کنار غیرت و جوانمردی مردم و جوانان منطقه جنوب عزیز ایران در طرد سلطه بیگانگان بوده‌اند.»

۲-راهکارهای عملیاتی

۲-۱ ممنوعیت کامل تردد ناوهای نظامی فرامنطقه‌ای

مستند از پیام رهبری: «بیگانگانی که از هزاران کیلومتر آن طرف‌تر از روی طمع به شرارت در آن می‌پردازند، جایی در آن ندارند مگر در قعر آب‌هایش».

- اعلام «منطقه ممنوعه نظامی»(Exclusion Zone) : ایران رسماً منطقه تنگه هرمز را «منطقه ممنوعه برای تردد ناوهای نظامی فرامنطقه‌ای» اعلام کند. مرزها به سازمان ملل و کشورهای منطقه ابلاغ شود.
- استقرار سامانه «هشدار و بازدارندگی خودکار»: نصب حسگرهای تردد در بستر تنگه و استقرار سامانه پایش ۲۴ ساعته، و ارسال هشدار تردد غیر مجاز.

۲-۲- تعلیق حقوق کشتیرانی کشورهای متجاوز تا جبران خسارت:

کشورهای حوزه خلیج فارس که از خاک آن‌ها علیه ایران حمله شده یا پایگاه‌های بیگانگان در آن مستقر است، مشمول این بند می‌شوند. تا زمانی که خسارت‌های وارده جبران نشود، حقوق کشتیرانی آن‌ها به حالت تعلیق درخواهد آمد.

● تهیه فهرست سیاه و ابلاغ به سازمان ملل:

شامل مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم، اجاره یا مدیریت توسط شرکت‌های صهیونیستی و آمریکایی و حمل محموله برای آنها و ابلاغ عمومی وزارت امور خارجه از فهرست کشورهای دارای تعلیق کشتیرانی (شامل میزبانان پایگاه‌های بیگانه) را منتشر کند.

● بازرسی اجباری همه شناورهای تحت پرچم این کشورها:

این شناورها موظف به دریافت مجوز ویژه، اعلام مشخصات کامل محموله و مقصد، و همکاری با بازرسان ایران هستند.

● برآورد خسارات:

میزان خسارت‌های وارده از سوی هر کشور (جنگ تحمیلی، حمله به تأسیسات نفتی، ترور دانشمندان، تحریم‌های اقتصادی) تعیین شود. تا زمان عذرخواهی رسمی، پرداخت خسارت، و بستن پایگاه‌های نظامی علیه ایران، تعلیق کشتیرانی پابرجا خواهد بود.

● افزایش ریسک کشتیرانی و قیمت بیمه:

اعلام صریح به شرکت‌های بزرگ کشتیرانی و ترانزیت دریایی جهانی{مرسک، MSC، CMA-CGM) و مؤسسات بیمه (نظیر لویدز لندن)} که هر شناور مرتبط فهرست سیاه در هرمز توقیف خواهد شد. این تهدید به تنهایی کافی است تا بازار بیمه، عبور شناورهای مشکوک از خلیج فارس را به شدت افزایش دهد.

سخن پایانی

مدیریت جدید تنگه هرمز که در پیام رهبری با عنوان فصل نوین خلیج فارس ترسیم شده، یک مدل کامل و عملی برای نظم امنیتی شکست‌خورده مبتنی بر حضور بیگانگان است. این مدل، نه تنها امنیت و حاکمیت ایران را تأمین می‌کند، بلکه با حذف حضور بیگانگان (که رهبری آن را «مهم‌ترین عامل ناامنی» می‌نامند)، زمینه‌ساز رفاه، پیشرفت و آرامش همه کشورهای منطقه خواهد بود. تأکید نهایی رهبری بر فصل نوین نشان می‌دهد که این تحول، نه یک اقدام مقطعی، بلکه سرآغازی برای بازتعریفِ معادلات راهبردی قدرت در غرب آسیا است: «به قدرت و قوت الهی، آینده درخشان منطقه خلیج‌فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌های آن خواهد بود».





خلیج فارس نوین

امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه امریکا در نقشه‌ی خود، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است. ملت‌های منطقه خلیج فارس که سال‌های متمادی به سکوت و ذلت‌پذیری حاکمان در برابر زورگویان و تجاوزکاران عادت کرده بودند، در شصت روز گذشته جلوه‌های زیبای صلابت، هوشیاری و مجاهدت دلاورمردان نیروهای دریایی ارتش و سپاه را در کنار غیرت و سلحشوری مردم و جوانان خطه‌ی جنوب ایران عزیز در نفی سلطه‌ی بیگانگان به چشم خود دیدند.

سید مجتبی حسینی خامنه ای

۱۰/اردیبهشت/۱۴۰۵